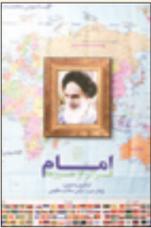


پیش‌خوان

«امام، فراتر از مرزها» در آینه یک اثر نو انتشار

پیامی که جهان را مُسخر ساخت!

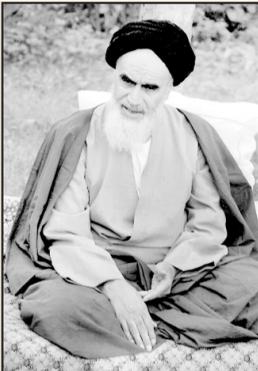
■ **محمد رضا کائینی**



انتشارات «راه یار» وابسته به دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در چند سال اخیر، به پژوهش‌های ارجمندی دست زده و آثاری گران‌سنگ در حوزه تاریخ انقلاب

اسلامی را، روانه بازار نشر ساخته است. از آن جمله مجموعه «امام، فراتر از مرزها» که رهبر کبیر انقلاب اسلامی را از زبان دهه‌ن‌ن از نیگبان جهان و به اشکال گوناگون، روایت و تحلیل کرده است. این کتاب به همت پژوهان عرب و نرگس سادات مظلومی فراهم آمده است؛ پژمان عرب در دیباچه خویش بر این اثر تاریخی–توصیفی، درباره محتوای آن چنین آورده است:

«در گستره جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، ما به صدها سوزه و موضوع برمی‌خوریم که بعضاً در طول این ۴۰ سال حتی یک محصول خوب، به صورت مستقل برایشان تولید نشده است. لذا دست به پژوهش‌هایی زدم تا بتوانیم از منابع و محتواهای تولید شده، گوهرهایی استخراج کنیم. هدف اصلی از این پژوهش‌ها و رصد‌ها تلاش‌های انجام شده در راستای تولید و باز آوری آثاری بوده که برای فهم یک نیاز و خلأ در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی صورت گرفته است. یک هدف جریان ساز دیگر تلاشی بوده برای تزریق یک خون تازه به جریان تاریخ شفاهی جبهه فرهنگی انقلاب، در جهت آیددهی و برجسته کردن حوزه‌های مغفول و روایت نشده جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی و در همین بستر تلاش شده است که به واسطه نشر این آثار، صدها چهره تولیدکننده و فعال در عرصه‌های متنوع هنری، فکری و رسانه‌ای جبهه فرهنگی به



۱۳۵۷.امام‌خمینی در دوران اقامت در دهکده نوبل لوشانو

رخ کشیده شوند. یک هدف مهم دیگر که در این پژوهش‌ها دنبال می‌شد، آواربرداری از صدها هزار روایت ناب و دست‌اولی است که در همه این سال‌ها در گوشه کتاب‌ها، روزنامه‌ها، مجلات، ویژه‌نامه‌ها، سایت‌ها و… خاک می‌خورند و هیچ‌زمان ضریب مناسبی را که باید پدید نکرده بودند.

امام خمینی (ره) فراتر از مرزها، شامل نامه‌های مردمی به رهبر کبیر انقلاب، روایت‌های نگاشته از انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مانند انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به روایت هنرمندان (اعم از سینماگران، عکاسان، هنرمندان تجسمی و…)، زندگی و خاطرات قله‌های هنر و ادبیات انقلاب اسلامی و تاریخ معاصر، دیالوگ‌های ماندگار فیلم‌های ایرانی، عاشقانه‌های شهیدا و… در زمره عناوین این مجموعه هستند. قطعا برای رسیدن به یک مدل ایده‌آل، در گام اول تمام تلاش ما این بوده است که خروجی کار صرفاً بسنده کردن به جمع آوری یکسری روایت، از در دست‌ترین منابع نباشد. گاهی اوقات محققان محترم برای صحت و

اعتبار داشتن بعضی روایت‌ها و همچنین رسیدن به منبع دست اول آن روایت، روزهای متوالی مجبور به زیر و رو کردن چندین کتاب، روزنامه و سایت بوده‌اند، ولی قطعاً کارها بیری از خطا و اشتباه، در همان منابع دست اول هم نیستند. یک ارزش افزوده ویژه در این اثر، نحوه تنظیم و ساخت یک روایت جامع موضوعی است که برای این کار فصل‌بندی‌های صورت گرفته است که پیش‌نیاز آن، ورود و شناخت داشتن محقق نسبت به آن موضوع و رویداد بوده است. همچنین پیش آمده است که سطح بعضی روایت‌ها، ممکن است یا هم ممکن نباشد، از آنجا که یکی از اهداف ما، ساختن یک کلان روایت از آن موضوع یا سوزه بوده است، تن به کنار هم دادن بعضی روایت‌ها داده‌ایم. این‌شاه‌الله با راهنمایی‌ها و مشورت‌های خود، مجموعه ما را در هر چه بهتر شدن این مجموعه کمک کنید…»

■ **انوشه میر مرعشی**

رهبر معظم انقلاب اسلامی، در تبیین همسانی هویت انقلاب اسلامی و شخصیت امام‌خمینی (ره)، جمله معروفی دارند که «این انقلاب بی‌نام خمینی، در هیچ جای جهان شناخته شده نیست…» بر همین اساس، قاعدتاً برای شناخت تاریخ انقلاب اسلامی از شروع نهضت اسلامی تا امروز، باید جایگاه بسیار مهمی برای شخصیت رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این انقلاب و تأثیر و رهبری و کلام او در آن قائل باشیم. متأسفانه در سالیان اخیر افراد و گروه‌هایی برای رسیدن به اهداف سیاسی و مطامع خود به تحریف اندیشه و آرمان‌های بنیانگذار نظام جمهوری اسلامی و تاریخ انقلاب اسلامی روی آورده‌اند. اتفاق نامبارکی که برای مقابله با آن می‌توان با مراجه به صحیفه امام دروغ و ساختگی بودن ادعاهای تحریف‌کنندگان را دریافت و به دیگران نیز منتقل کرد؛ صحیفه‌ای که اگر با توجه به تاریخ و واقع نهضت و انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار بگیرد، یکی از بهترین منابع برای شناخت و آکاوی تاریخ انقلاب اسلامی ایران است. در نوشتار پی آمده، این موضوع بیشتر مورد کنکاش قرار گرفته است. امید آنکه تاریخ پژوهان انقلاب اسلامی و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **هنگامی که امام خمینی، تاریخ معاصر را روایت می‌کند**

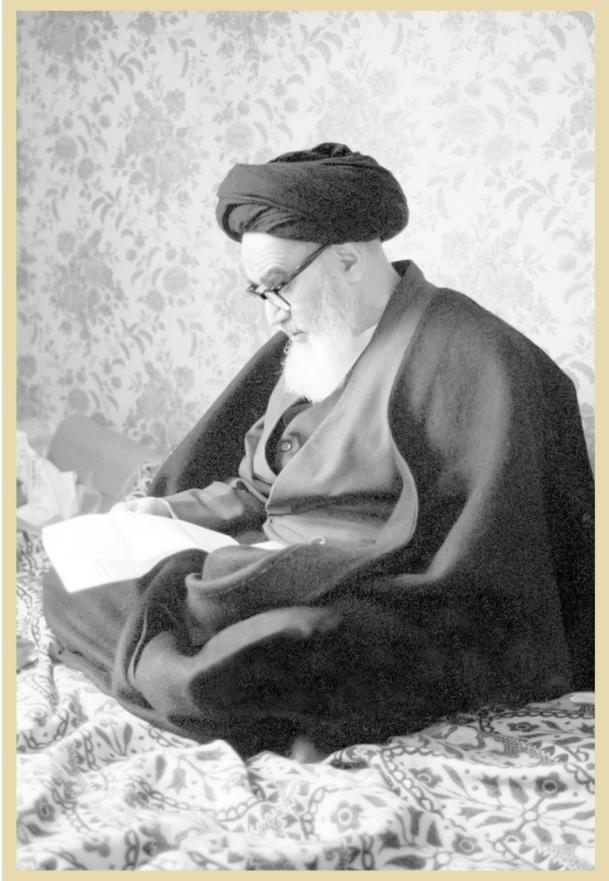
«صحیفه‌امام» مجموعه‌ای ۲۲جلدی است که ۲۱جلد آن دربردارنده سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها، احکام و نامه‌های امام‌خمینی(ره)، از سال ۱۳۱۲ش تا ۱۳۸۲دپهشت ۱۳۶۸ش (دو هفته قبل از رحلت ایشان) می‌شود. جلد ۲۲م شامل فهرست اعلام کل مجموعه است^(۱). مسلماً جدای از اینکه سخنرانی‌ها، نامه‌ها و بیانیه‌های امام بسیار پندآموز، حکمت‌آموز و بصیرت‌نازاست،

«

میر حسین موسوی متن استعفانامه خود را قبل از اطلاع به امام و بزرگان نظام، در روزنامه جمهوری اسلامی به تاریخ ۱۵شهریور ۱۳۶۷ش منتشر کرد، کاری که موجبات ناخشنودی امام رافراهم آورد. رهبر انقلاب در همان روز و پس از اطلاع از این اقدام نابه‌جای موسوی، در نامه‌ای خطاب به او نوشتند: حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لاقل من یا مسئولان رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید. در زمانی که مردم حزب‌الله برای یاری اسلام فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند، چه وقت گله‌واستعفانامه؟

تاریخ

۸۸۴۹۸۴۳۷



۱۳۵۷.امام‌خمینی در دوران اقامت در دهکده نوبل لوشانو

د

سخنان آیت‌الله منتظری در بهمن ۶۷، شدیدا موجب حیرت و ملالت خواننده‌های شهدا، جانبازان و ایثارگران گشت. چندی بعد، امام خمینی در پیامی به مهاجرین جنگی در ۲ فروردین ۱۳۶۸ش. مصادف با نیمه شعبان، ضمن دلجویی از امت حزب‌الله، به انگاره‌های غلط منتظری پاسخی محکم دادند. در بخشی از این پیام آمده بود: نفوذی‌ها بارها اعلام کرده‌اند که حصر خود را از دهان ساده‌اندیشان موجه می‌زند…اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده‌اند، از این حرکات دست بردارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد

تبیین تاریخ معاصر ایران، در پر تو صحیفه امام خمینی

چالش سلسله جنبان انقلاب

با تاریخ‌نگاری روشنفکران غرب‌گرا

می‌توان به صحیفه به عنوان یک منبع مهم در شناخت تاریخ هم نگر بست، زیرا از یک‌طرف امام راحل فقیه و اندیشمندی حکیم بود که تاریخ اسلام و ایران را خوب می‌شناخت و تحلیل‌هایی که از تاریخ معاصر ایران به ویژه درباره وقایع خاصی تاریخی و شخصیت‌های مهم مثبت و منفی آن، همچون شهید آیت‌الله شیخ‌فضل‌الله نوری، شهید آیت‌الله سیدحسن مدرس یا رضاخان می‌کرد، دقیق و قابل تأمل بود. از سوی دیگر، از آنجا که سخنان، مواضع و پیام‌ها ایشان موجب وقوع حوادث مهمی در تاریخ معاصر ایران شده است، قابل توجه و مهم است.

از منظر اول، امام‌خمینی باعث شد که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مورخان و پژوهشگران مسلمان جرئت یصفان کنند، سطره روایت استعماری روشنفکران شرق و غرب‌زده را در بیان تاریخ به کناری زده و روایت جدیدی که در آن هویت ایرانی و اسلامی، علما و مردم نقش پررنگی داشته‌اند را بیان کنند. در واقع امام با

بیانات خود، به جنگ روایت غالب تاریخی روشنفکران غرب‌زده، با رویکرد ضددینی و ضدروحانیت آنان رفت و آن را زیر سؤال برد. مثلاً ایشان در ۱۴ تیر ۱۳۵۸ش در

دیدار با جمعی از دانش آموزان ناینیای مدرسه الباصیر اصفهان، درباره روایت روحانیت در مبارزات ضداستعمار و ضداستبداد معاصر که تا آن زمان در کتاب‌های تاریخ به عمد یا سهو مغفول مانده بود، فرمودند: «فقیه‌تنباکو در زمان مرحوم میرزا، به اینها (غری‌ها) فهماند که با فتوای یک آقای که در دهی در عراق سکونت دارد، می‌تواند یک امپراطوری را شکست داد و سلطان وقت هم با همه کوششی که کرد، برای اینکه آن قرارداد را حفظ بکند، نتوانست کاری از پیش ببرد… اینها فهمیدند باید این قدرت را بگیرند تا این قدرت زنده است، نمی‌گذارند این‌ها هر کاری دلشان بخواهد بکنند و دولت‌ها عنان سگ‌هیخته باشند و هر طوری دلشان بخواهد، عمل بکنند و لهذا با کمال کوشش، تبلیغات کردند بر ضد روحانیت…» (صحیفه امام، جلد۱، ص ۴۵۱ و ۴۵۲)

نه آنگونه که اتفاق افتاده است. از اول می‌دانند که کتبشان بناست به چه نتیجه‌ای برسد و در آخر به همان نتیجه هم می‌رسند. از شما می‌خواهم هرچه می‌توانید، سعی و تلاش کنید تا هدف قیام مردم را مشخص نمایید، چراکه همیشه مورخین اهداف انقلاب‌ها را در مسلخ اغراض خود یا ارتباطشان ذبح می‌کنند. امروز همچون همیشه تاریخ انقلاب‌ها، عده‌ای به نوشتن تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ایران مشغولند که سر در آخور غرب و شرق دارند. تاریخ جهان پر است از تحسین و دشنام عده‌ای خاص، له یا علیه عده‌ای دیگر یا واقعه‌ای در خور بحث. اگر شما می‌توانستید تاریخ را مستند به صدا و فیلم، حساوی مطالب گوناگون انقلاب از زبان توده‌های مردم رنج‌دیده کنید، کاری خوب و شایسته در تاریخ ایران نموده‌اید. باید پایه‌های تاریخ انقلاب اسلامی ما چون خود انقلاب، بر دوش پابرنگان مغضوب قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها باشد…» (صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۲۳۹)

■ **نامه استعفای شما باعث تعجب شد**

دهه ۶۰در عمر چهار دهه‌ای نظام جمهوری اسلامی، دهه‌ای خاص و سرشار از حوادث گوناگون و حتی عجیب است. برخی از این حوادث همچون: جنگ تحمیلی هشت ساله، اعلام جنگ مسلحانه سازمان مجاهدین خلق (منافقین) بانظام جمهوری اسلامی، و… تا حدودی در سال‌های اخیر، مورد و پیچیدگی حوادث این دهه آنقدر زیاد است که برخی از آنها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند یا اصلا به آن پرداخته نشده است. حوادثی که اولاً: با علم به آنها می‌توانیم از عوض شدن جای «قاتل و شهید» از سوی ضدانقلاب جلوگیری کرده و نام‌ها با عبرت‌گیری از آنها، از بروز اشتباه در تصمیم‌گیری‌ها و عملکردها مانع شویم.

یکی از این ماجراهای عبرت‌آموز، جریان استعفای میر حسین موسوی آنخست‌وزیر وقت، آ. بعد از پذیرش قطعنامه و رد آن توسط امام خمینی. ماجرایی که کمتر به آن پرداخته شده و دانستن درباره آن، موجب خواهد شد که مسئولان در شرایط خطیر، با کنار گذاشتن اختلافات سیاسی و جناحی کم‌ارزش، منافع ملی را زیر پا نگذارند، اما اصل ماجرا به این شکل است که میرحسین موسوی بعد از پذیرش قطعنامه و عملیات مرصاد در شرایطی که دقیقاً در آن مقطع، گفت‌وگوهای جدید علی‌اکبر ولایتی به عنوان نماینده ویژه امام با نمایندگان صدام برای مفاد قطعنامه، به

ویژه تعیین تکلیف اسرا در سازمان ملل آغاز شده بود، نامه استعفای خود را نوشت. او در این نامه ضمن گله از کم‌بودن اختیارات نخست‌وزیر، به اختلاف با مخالفان دولت (از جناح راست) اشاره و این مسئله را دلیل استعفایش عنوان کرده بود، اما نکته جالب این است که میرحسین موسوی متن استعفانامه خود را قبل از اطلاع به امام(ره) و بزرگان نظام، در روزنامه «جمهوری اسلامی» به تاریخ ۱۵ شهریور ۱۳۶۷ش منتشر کرد، کاری که موجبات ناخشنودی امام رافراهم آورد. رهبر انقلاب در همان روز و پس از اطلاع از این اقدام نامه‌ای موسوی، در نامسم‌ای او در واقع توبیخ نامه‌ای آ. خطاب به او نوشتند:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم

جناب آقای موسوی، نخست‌وزیر محترم نامه استعفای شما باعث تعجب شد. حق این بود که اگر تصمیم بدین کار داشتید، لاقل من یا مسئولان رده بالای نظام را در جریان می‌گذاشتید. در زمانی که مردم حزب‌الله برای یاری اسلام فرزندان خود را به قربانگاه می‌برند، چه وقت گله استعفاست؟ شما در سنگر نخست‌وزیری، در چارچوب اسلام و قانون اساسی، به خدمت خود ادامه دهید. در صورتی که نسبت به بعضی از وزرا به توافق نمی‌رسید، چون گذشته عمل می‌شود.

این حق قانونی مجلس است، به هر وزیری که مایل بود رأی دهد. تعزیرات از این پس در اختیار مجمع تشخیص مصلحت است که اگر صلاح بداند، به هر میزان که مایل باشد، در اختیار دولت قرار خواهد داد. همه باید به خدا پناه ببریم و در مواقع عصبانیت دست به کارهایی نزنیم که دشمنان اسلام از آن سوءاستفاده کنند. مردم ما از این گونه مسائل در طول انقلاب زیاد دیده‌اند. این حرکات هیچ تأثیری در خطوط اصل و اساسی انقلاب ندارد. این‌ها برای نخواستار داشت. از آنجا که من به شما علاقه‌مندم، این‌شاه‌الله عندالملاقات مسائلی است که گوشزد می‌نمایم. والسلام»

۱۳۶۷/۶/۱۵

(صحیفه امام، جلد ۲۱، ۱۱۳ و ۱۲۴)

البته در همان روز آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای هم به عنوان رئیس‌جمهور، در نامه‌ای ضمن رد درخواست استعفای میرحسین موسوی، خطاب به او نوشتند:

«برادر گرامی آقای موسوی، نخست‌وزیر محترم با سلام، نامه استعفای شما را دریافت کردم و لازم می‌دانم چند موضوع را به جنابعالی گوشزد کنم: در شرایط حساس کنونی و در حالی که مذاکرات زونو در جریان است و لازم است همه در برابر فرندههای دشمنان آماده و از مسائل داخلی فارغ البال باشیم، استعفای دولت بر خلاف مصلحت کشور و انقلاب و ضربه‌ای بر مصالح نظام جمهوری اسلامی است. مشکل تعیین چند وزیر، مشکل جدیدی نیست. در سه سال گذشته (دوره دوم ریاست جمهوری اینجناب) همواره این مشکل با حکمت هیئت سه نفره منصوب امام حل شده و جنابعالی همواره از آن استقبال کرده‌اید… اینجناب با وجود اختلاف نظرهای چندی که به شما در نحوه اداره کشور و اعراض به روش‌های شما، به ویژه در مسائل اقتصادی دارم، همانطور

که می‌دانید همواره در همه مراحل به شما کمک کرده‌ام و اکنون هم استعفای شما را به مصلحت ندانسته و اصرار بر آن را ضربه به نظام و حتی با کمال معذرت خیانت – البته خیانت غیر عمدی – می‌دانسم و معتقدم خوب است جنابعالی امروز نظرات حضرت امام در امور اقتصادی را به طور درست بپذیرید. استعفا را نمی‌پذیرم و خواهش می‌کنم اصرار نکنید.

سیدعلی خامنه‌ای
رئیس‌جمهور»

■ **عقد اخوت با ساده‌اندیشان موجه نیست‌ام**

یکی دیگر از ماجراهای عبرت‌آموز تاریخ انقلاب در دهه ۶۰، داستان آیت‌الله حسینعلی منتظری و مقابله امام با اقدامات اشتباه وی و در نهایت عزل نامبرده از قائم مقامی رهبری بود. به دلیل توجه نکردن و دقت آقای حسینعلی منتظری، دفتر ایشان به مرکز رفت و آمد افراد مسئله‌دار با انقلاب و حتی منافع مبذل شده بود. متأسفانه این افراد نیز با سوءاستفاده از ساده‌اندیشی قائم مقام وقت رهبری، سخنان کذب و تفرقه‌افزینی را علیه نظام و مسئولان جمهوری اسلامی، به وی القامی کردند و عمولاً مورد استعقال جریان‌های ضدانقلاب داخلی و خارجی و بهره‌برداری دشمنان قرار می‌گرفت و از سوی دیگر، موجبات ناراحتی مردم انقلابی را فراهم می‌کرد. به عنوان مثال، وی در سخنرانی خود به منسبت سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۶۷ش. رسماً ایران را شکست خورده جنگ ایران با ارتش بعث صدام معرفی کرد و از اشتباهات امام در جنگ انتقاد کرده و گفته بود: «باید مواظب باشیم که حال لجاجت، خودمحروری‌ها، بی‌عتنایی و منزوی کردن افراد دلسوس و فشار آوردن به بعضی از مردم را، کنار بگذاریم… دشمنان ما که این جنگ را تحمیل کردند، آنها پیروز از کار در آمدند… ما در جنگ خیلی اشتباه و خیلی جاها لجبازی کردیم و شعارهایی دادیم که می‌دانستیم نمی‌توانیم آن را انجام دهیم، شعارهایی دادیم که دنیا را از خودمان ترساندیم… ممکن است کسی در سطح بالا باشد و اشتباه بکند. در روزنامه‌ها، رادیو تلویزیون مردم باید بتوانند حرف بزنند…»^(۲)

این سخنان آیت‌الله منتظری شدیداً موجبات حیرت و ملالت خواننده‌های شهیدا، جانبازان و ایثارگران گشت. چندی بعد، امام خمینی در پیامی به مهاجرین جنگی در ۲ فروردین ۱۳۶۸ش. مصادف با نیمه شعبان، ضمن دلجویی از امت حزب‌الله، به این انگاره‌های غلط آقای منتظری پاسخ محکمی دادند. در بخشی از این پیام آمده بود: «هر روز غرب و شرق به خوبی می‌دانند تنها نیرویی که می‌تواند انسان را از صحنه خارج کند، اسلام است. آنها در ۱۰ سال انقلاب اسلامی ایران، ضربات سختی از اسلام خورده‌اند و تصمیم گرفته‌اند که به هر وسیله ممکن، آن را در ایران که مرکز اسلام ناب محمدی است، نابود کنند. اگر بتوانند با نیروی نظامی، اگر نشد با نشر فرهنگ مبتذل خود و بیگانه کردن ملت از اسلام و فرهنگ ملی خویش و اگر هیچ کدام از اینها نشد، ایادی خودفروخته خود از منافقین و لیبرال‌ها و بی‌دین‌ها را که کشتن روحانیون و افراد بی‌گناه برایشان چون آب خوردن است و در منازل و مراکز ادارات نفوذ می‌دهند که شاید به مقاصد شوم خود برسند. نفوذی‌ها بارها اعلام کرده‌اند که حرف خود را از دهان ساده‌اندیشان موجه می‌زند. من بارها اعلام کرده‌ام با هیچ کس در هر مرتبه‌ای که باشد، عقد اخوت نیست‌ام. چارچوب دوستی من، در درستی راه هر فرد نهفته است. دفاع از اسلام و حزب‌الله، اصل خدشه‌ناپذیر سیاست جمهوری اسلامی است. ما باید مدافع افرادی باشیم که منافقین سرهاشان را در مقابل زنان و فرزندانشان در سر سرفه افطار، گوش تا گوش بریدند. ما باید دشمن سرسخت کسانی باشیم که پرونده‌های همکاری آنان با آمریکا از لانه جاسوسی بیرون آمد. ما باید تمام عشقمان به خدا داشته‌ند تاریخ کسانی که از منافقین و لیبرال‌ها ما دفاع می‌کنند، پیش ملت عزیز و شهید داده ما راهی ندارند. اگر ایادی بیگانه و ناآگاهان گول خورده که بدون توجه بلندگوی دیگران شده‌اند، از این حرکات دست بردارند، مردم ما آنها را بدون هیچ گونه گذشتی طرد خواهند کرد…» (صحیفه امام، جلد ۲۱، ص ۲۳۶)

■ **کلام آخر**

موارد فوق آمده، تنها چند نمونه از حوادث سیاسی خاص تاریخ انقلاب اسلامی است که از طریق مراجعه به صحیفه امام خمینی(ره) مورد خواشش قرار گرفت، تا اباعد مختلف آن برای امروز ما قابل درک شود. نمونه‌هایی برای نشان دادن اهمیت صحیفه امام، به عنوان یک منبع مهم شناخت تاریخ انقلاب اسلامی. این سخن به آن مناسبت که مورخان و پژوهشگران تاریخ انقلاب اسلامی، نمی‌توانند بدون در نظر گرفتن صحیفه و مواضع امام(ره)، تاریخ صحیحی از آن دوره برای مخاطبان خود ارائه کنند.

منابع:

۱- صحیفه امام- مجموعه آثار امام خمینی(ره)- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، چاپ دوم ۱۳۷۹ش

۲- محمدیان، ابوالحسن. «تاریخ انقلاب اسلامی»- آیت‌الله منتظری از قائم مقامی تا عزل- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، جلد ششم، چاپ اول ۱۳۶۴. ص ۱۱۱

در دیدار با آیت‌الله خمینی منتظری

